



## Critical Discourse Analysis of the Representation of Social Actors in *Café Piano*

Teymoor. Malmir<sup>1\*</sup> -Fardin. Hoseinpanahi<sup>2</sup> -Vazir. Veysi<sup>3</sup>

1: Professor of Persian Language and Literature, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran  
(Corresponding Author): [t.malmir@uok.ac.ir](mailto:t.malmir@uok.ac.ir)

2: Assistant Professor of Persian Language and Literature, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.

3: Ph.D Student of Persian Language and Literature, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.

**Abstract:** Van Leeuwen's model of critical discourse analysis, which uncovers patterns of representing social actors through sociological-semantic components, offers an effective framework for explaining the complex network of social actors' representations in narrative fiction. This approach focuses on how individuals, groups, and institutions are represented in social discourses, shedding light on the underlying power structures and social relationships they reflect. Farhad Jafari's *Café Piano*, a notable work of contemporary fiction with diverse representations of social actors, provides an appropriate basis for analyzing the roles and identities of these actors. Drawing on Van Leeuwen's model, this article explores how social actors are represented in *Café Piano*, aiming to elucidate the intricate web of social actors in this novel. The research findings suggest that the novel's numerous social actors are not merely peripheral figures; rather, they are integral to the narrative structure and reflective of broader social and cultural discourse. By focusing on middle-class characters and illustrating the effects of social and economic challenges on their lives, *Café Piano* offers a nuanced portrayal of the contemporary middle class and its struggles. The use of certain sociological-semantic components also adds depth to the individual and social representation of the characters. The research method is descriptive-analytical, supported by a quantitative approach to identify and analyze the sociological-semantic components used in the text.

**Keywords:** Critical Discourse Analysis, Representation of Social Actors, *Café Piano*, Sociological-Semantic Components, Van Leeuwen.

- T. Malmir; F. Hoseinpanahi; V. Veysi (2025). "Critical Discourse Analysis of the Representation of Social Actors in *Café Piano*". Semnan University: *Journal of Linguistic and Rhetorical Studies*. 16(40).33-64.

[Doi: 10.22075/jlrs.2024.34104.2468](https://doi.org/10.22075/jlrs.2024.34104.2468)

سال شانزدهم - شماره ۴۰ - تابستان ۱۴۰۴

صفحات ۶۴-۳۳ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۳/۰۲/۲۲ بازنگری ۱۴۰۳/۰۷/۰۳ پذیرش ۱۴۰۳/۰۷/۲۸

## تحلیل گفتمان انتقادی بازنمایی کارگزاران اجتماعی در رمان کافه پیانو

تیمور مال میر<sup>۱</sup> / فردین حسین پناهی<sup>۲</sup> / وزیر ویسی<sup>۳</sup>

[t.malmir@uok.ac.ir](mailto:t.malmir@uok.ac.ir)

۱: استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران (نویسنده مسئول)

۲: استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

۳: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

**چکیده:** تحلیل گفتمان انتقادی ونلیوون که با تکیه بر مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی، الگوهای بازنمایی کارگزاران اجتماعی در متن را آشکار می‌کند، الگوی کارآمدی برای تبیین شبکه پیچیده بازنمایی کارگزاران اجتماعی در روایت داستانی است. این الگو به چگونگی بازنمایی افراد، گروه‌ها و نهادها در گفتمان‌های اجتماعی می‌پردازد؛ چنان‌که نحوه بازنمایی این کنشگران می‌تواند بازتابی از ساختارهای قدرت و روابط اجتماعی باشد. رمان *کافه پیانو* از فرهاد جعفری به‌عنوان یکی از نمونه‌های موفق داستان معاصر، با بازنمایی‌های متنوعی که از کارگزاران اجتماعی دارد، مبنای مناسبی برای تبیین نقش‌ها و هویت‌های کارگزاران اجتماعی است. در این مقاله، با تکیه بر تحلیل گفتمان انتقادی ونلیوون، شیوه‌های بازنمایی کارگزاران اجتماعی در رمان *کافه پیانو* بررسی و تحلیل شده است؛ چندان‌که بتوان شبکه گسترده کارگزاران اجتماعی در این رمان را تبیین کرد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که انبوه کارگزاران اجتماعی در این رمان، تنها شخصیت‌هایی پس‌زمینه‌ای نیستند، بلکه جزئی اساسی از بافت داستان هستند که به‌مثابه بخشی از یک گفتمان بزرگ‌تر اجتماعی و فرهنگی بازنمایی شده‌اند. رمان با تمرکز بر شخصیت‌هایی از طبقه متوسط جامعه و با بازنمایی تأثیر معضلات اجتماعی و اقتصادی بر زندگی و احوال آن‌ها، تصویری از وضعیت طبقه متوسط را در مواجهه با مسائل و معضلات امروز نشان می‌دهد و کاربرد برخی مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی نیز عمق بیشتری به بازنمایی فردی و اجتماعی شخصیت‌ها داده است. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی است و برای شمارش مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی و تحلیل داده‌ها از روش کمی استفاده شده است.

**کلیدواژه:** تحلیل گفتمان انتقادی، بازنمایی کارگزاران اجتماعی، *کافه پیانو*، مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی، ونلیوون.

- مال میر، تیمور؛ حسین پناهی، فردین؛ ویسی، وزیر (۱۴۰۴). «تحلیل گفتمان انتقادی بازنمایی کارگزاران اجتماعی در رمان کافه پیانو». دانشگاه سمنان: *مطالعات زبانی و بلاغی*. ۱۶(۴۰): ۶۴-۳۳.

Doi: 10.22075/jlrs.2024.34104.2468

## ۱. مقدمه

رمان کافه پیانو اثر فرهاد جعفری که در سال ۱۳۸۶ منتشر شد، از آثار موفق داستانی معاصر است و استقبال قابل توجه از این اثر و تجدید چاپ‌های متعدد آن، بیانگر موفقیت این داستان در جلب نظر خوانندگان است. این داستان مجموعه‌ای از شخصیت‌هایی را به تصویر می‌کشد که «کافه» به عنوان مکانی کانونی، نقطه ثقل بازنمایی آن‌هاست. موقعیت خاص کافه به عنوان مکانی عمومی، باعث شده این رمان صبغه اجتماعی قابل توجهی از خود نشان دهد و تنوع بسیاری از شخصیت‌های اصلی و فرعی در مقام «کارگزاران اجتماعی» داشته باشد. کارگزاران اجتماعی می‌توانند افراد، گروه‌ها، نهادها یا حتی هنجارها و آثار فرهنگی (دارای نتایج کنشی) در جامعه باشند که با دیگران تعامل دارند و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارند. بررسی مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی در بازنمایی کارگزاران اجتماعی داستان، زمینه‌ای برای تبیین نحوه تعامل شخصیت‌ها با نقش‌های اجتماعی و روابط خود در بستر اجتماعی گسترده‌تر در داستان فراهم می‌آورد. نظریه ونلیوون<sup>۱</sup>، بر شیوه‌های مختلف ساخت نقش‌ها و روابط اجتماعی در زبان (و دیگر ابزارهای ارتباطی) تمرکز دارد و اینکه چگونه این ساختارها می‌توانند بر ارزش‌ها و ساختارهای جامعه تأثیرگذار باشند یا آن‌ها را بازتاب دهند. در این مقاله، بر مبنای تحلیل گفتمان انتقادی ونلیوون، الگوهای بازنمایی کارگزاران اجتماعی و گزاره‌های گفتمان‌مدار در رمان کافه پیانو بررسی می‌شود. این بررسی به گونه‌ای است که بتواند شبکه پیچیده کارگزاران اجتماعی، شیوه‌های بازنمایی و ارتباط آن‌ها با ژرف ساخت‌ها و موضع‌گیری‌های پنهان در متن را تبیین کند.

روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی است و برای شمارش مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی و تحلیل داده‌ها، از روش کمی استفاده شده است. ابتدا همه مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی در رمان کافه پیانو استخراج شد؛ سپس بسامد آن‌ها بررسی و تحلیل شده‌اند.

## ۲. پیشینه پژوهش

تحلیل گفتمان انتقادی ونلیوون، از الگوهای مطرح در زمینه بازنمایی کارگزاران اجتماعی در روایت‌های ادبی است. در این باره می‌توان به پژوهش غلامعلی زاده و همکاران (۱۳۹۶) در بررسی داستان «آل» محمد بهمن‌بیگی اشاره کرد که میزان چگونگی استفاده نویسنده از نام‌دهی و طبقه‌بندی کنشگران اجتماعی را تبیین کرده‌اند (همان: ۷۱). همین محققان، مقاله دیگری با الگو و روش مشابه درباره داستان «در بویراحمد» از محمد بهمن‌بیگی نوشته‌اند تا میزان تأثیرپذیری متن داستان را از دیدگاه‌های فکری و اجتماعی نویسنده نشان دهند (اکبری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۹). کنعانی و انتظاری (۱۴۰۱)، نگرش‌های ایدئولوژیکی کارگزاران اجتماعی در رمان رؤیای تبت را از منظر نظام طبقاتی زنان بررسی کرده‌اند. ایشان معتقدند بیشتر مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی رمان رؤیای تبت، «در خدمت توصیف سازوکارهای اجتماعی و ایدئولوژیکی حاکم بر نظام اجتماعی زنان است» (همان: ۲۱۹). اشرفی و همکاران (۱۴۰۱)، ساختار گفتمانی سووشون را بر مبنای چگونگی گزینش نام‌ها و شیوه طبقه‌بندی کنشگران در الگوی ونلیوون، بررسی کرده‌اند و سعیدی و پارسا (۱۴۰۲) نیز فرامتن‌های پیوسته نویسنده - راوی در جلد اول کتاب شازده حمام را براساس فرامتنیت ژنت و تحلیل گفتمان ونلیوون تحلیل کرده‌اند.

درباره رمان کافه پیانو، به‌رغم شهرت و موفقیت آن در نشر، پژوهش‌های اندکی منتشر شده است. محمودی بختیاری و دهقانی (۱۳۹۲)، در مقاله «رابطه زبان و جنسیت در رمان معاصر فارسی» براساس دیدگاه رابین لیکاف، مشخصه‌های واژگانی را در شش رمان معاصر (از جمله: کافه پیانو) بررسی کرده‌اند و معتقدند در مؤلفه‌های استفاده از «رنگ‌واژه‌ها، فرم‌های مؤدبانه، قیده‌های تشدیدکننده، صفات تهی، گفتار غیرمستقیم، پرهیز از رکاکت و دشواژه‌ها» تفاوت‌هایی میان نوشتار نویسندگان مرد و زن این داستان‌ها وجود دارد؛ چنان‌که بسامد استفاده از رنگ‌واژه‌ها، صفات و تردیدنماها در نوشتار نویسندگان زن بیشتر بوده است. حیاتی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «تحلیل و

تحلیل گفتمان انتقادی بازنمایی کارگزاران اجتماعی در رمان کافه پیانو ————— ۳۷

مقایسهٔ تقابل‌های جنسیتی در رمان‌های دهه‌های شصت و هشتاد، به بررسی تطبیقی تقابل‌های جنسیتی در دو رمان *باغ بلور و دل فولاد* (از دههٔ شصت) با دو رمان *نگران نباش و کافه پیانو* (از دههٔ هشتاد) پرداخته‌اند و تقابل‌های دوگانهٔ سنت/تجدد، آرمان‌گرایی/واقع‌گرایی و زن نجیب/زن اغواگر را تحلیل کرده‌اند. از نظر ایشان تقابل‌های دوگانهٔ متن، نشان‌دهندهٔ نگاه جنسیتی رمان *کافه پیانو* است (همان: ۷۰-۶۶).

انور عباس مجید (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با رویکرد توصیفی، به گزارش و استخراج عناصر و گونه‌های مختلف زبانی شامل تکرار، نام‌آواها، کاربردهای محاوره‌ای، زبان شکسته، تصویرگرهای زبانی، تقدیم و تأخیر صفت و موصوف، انواع جمع بستن و ساخت‌های اشتقاقی در زبان داستان *کافه پیانو* پرداخته است. شکوهی (۱۳۹۵) نیز، در پایان‌نامهٔ خود، محورهای اجتماعی را در سه رمان *کافه پیانو*، *خاله‌بازی* و *چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم*، بررسی کرده است و مسائل اجتماعی مربوط به زنان، ازدواج و طلاق، اعتیاد، فقر، خودکشی، مسائل تربیتی، اخلاق و مسائل دینی را در رمان *کافه پیانو* به صورت موضوعی معرفی کرده است. بررسی پیشینه نشان می‌دهد که رمان *کافه پیانو* تاکنون موضوع پژوهشی در حوزهٔ تحلیل گفتمان انتقادی و نلیوون نبوده است.

### ۳. مبانی نظری

تحلیل گفتمان انتقادی، رویکردی بینارشته‌ای است که به بررسی و کشف روابط نابرابر قدرت، ایدئولوژی، تبعیض و سلطه، در لایه‌های زیرین زبان می‌پردازد. هریک از زبان‌شناسان و نظریه‌پردازان تحلیل گفتمان انتقادی، روش و الگویی برای گفتمان‌کاوی و آشکار کردن روابط نابرابر قدرت، ایدئولوژی، سلطه و تبعیض در متن ارائه داده‌اند. یکی از این رهیافت‌ها، رویکرد و نلیوون است که به جای مؤلفه‌های زبان‌شناختی، مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی را در تحلیل متن به کار برده است. گفتمان در نزد او، دانشی برساخته از کارگزاران اجتماعی است و هدف تحلیل گفتمان انتقادی نیز از نظر وی کشف و تحلیل شیوهٔ بازنمایی کارکردهای اجتماعی در لایه‌های زیرین متن است (ون‌لیوون، ۲۰۰۸: ۲۴). تحلیل متن به کمک این مجموعه از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی -

معنایی، نوعی نقد سبک‌شناسانه و زبان‌شناختی است. یکی دیگر از فواید نقد متن با رویکرد ون‌لیوون، بررسی میزان صراحت و پوشیدگی متن است. از دیدگاه وی، شخصیت‌های رمان کارگزاران اجتماعی هستند و شخصیت‌پردازی همان بازنمایی کارگزاران اجتماعی در رمان است. این رویکرد مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی را در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد تا بتوانند شیوه‌های بازنمایی کارگزاران اجتماعی (شخصیت‌ها) یک اثر را بیابند و صراحت و پوشیدگی در گفتارشان را برای مخاطب آشکار کنند.

شناسایی، شناساندن، نمایش و معرفی دوباره کارگزاران انسانی و غیرانسانی در متن را «بازنمایی» گویند. بازنمایی با روش‌های «طبیعی‌سازی» یا «کلیشه‌سازی» صورت می‌گیرد. «طبیعی‌سازی» به فرایندی اطلاق می‌شود که از طریق آن ساخت‌های اجتماعی، فرهنگی و تاریخی به صورتی عرضه می‌شوند که گویی اموری آشکار و طبیعی هستند. در این فرایند، بازنمودهای ایدئولوژیک خاص به صورت دانش عامه درمی‌آیند و بدین‌وسیله آن‌ها را غیرشفاف می‌کند» (گیویان و سروی زرگر، ۱۳۸۸: ۱۵۲). کلیشه‌سازی عبارت است از تنزل دادن انسان‌ها به مجموعه‌ای از ویژگی‌های شخصیتی مبالغه‌آمیز و معمولاً منفی؛ بنابراین کلیشه‌ای کردن شخصیت‌ها عبارت است از تقلیل دادن، ذاتی کردن، آشنا کردن و تثبیت تفاوت که از طریق کارکرد قدرت، مرزهای میان «به‌هنجار» و «نکبت‌بار»، «ما» و «آن‌ها» را مشخص می‌کند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۹). ون‌لیوون شیوه‌های بازنمایی کارگزاران اجتماعی را در الگویی با مؤلفه‌های متعدد آورده است که در دو مؤلفه کلی «حذف» و «اظهار» طبقه‌بندی می‌شوند. هریک از این مؤلفه‌ها نیز به زیرمؤلفه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند. حذف به دو زیرمؤلفه پنهان‌سازی و کم‌رنگ‌سازی تقسیم می‌شود و اظهار نیز به پنج زیرمؤلفه اصلی فعال‌سازی، منفعل‌سازی، تشخص‌بخشی، تشخص‌زدایی و تعیین ماهیت تقسیم می‌شود که هریک از این پنج مؤلفه نیز، از زیرمؤلفه‌های دیگری برخوردارند که در مواردی، این زیرمؤلفه‌ها نیز خود به زیرشاخه‌های دیگری تقسیم می‌شوند. الگوی ون‌لیوون، طرحی جامع برای

تحلیل گفتمان انتقادی بازنمایی کارگزاران اجتماعی در رمان کافه پیانو ————— ۳۹

مطالعه حوزه‌های کلان و بسیار متنوع بازنمایی کارگزاران اجتماعی در روایت‌هاست؛ پس تمام این زیرمؤلفه‌ها، ضرورتاً در رمان کافه پیانو موجود نیست و برخی «زیرمؤلفه‌های فرعی» بسامد صفر دارند. در بخش بعدی، مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های موجود در این رمان استخراج و طبقه‌بندی شده‌اند و تعاریف آن‌ها با ذکر نمونه‌هایی از رمان کافه پیانو در میان بحث آمده است.

#### ۴- مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی در رمان کافه پیانو

##### ۴-۱. حذف

«حذف»، از مؤلفه‌های اصلی الگوی ون‌لیوون است. برخی حذف‌ها ساده هستند و خواننده آن‌ها را می‌شناسد؛ اما در برخی موارد، ممکن است خواننده کاملاً با آن‌ها بیگانه باشد. هدف اصلی این نوع حذف، ایجاد تبلیغات روانی، ترس و تبدیل غریبه‌ها به دشمن است. چنین حذف‌های بنیادینی می‌تواند تحلیل‌هایی از عمل اجتماعی ارائه دهد. به نظر ون‌لیوون، گاهی تمام یا بعضی از کارگزاران حذف می‌شوند و گاهی ردپایی برجای گذاشته می‌شود و ما می‌توانیم پرسیم مثلاً چه کسی عمل «کشتن» را انجام داده است؟ یا چه کسی کشته شده است؟ حتی اگر متن، پاسخی فراهم نکرده باشد (ر.ک: ون‌لیوون، ۲۰۰۸: ۲۸). ون‌لیوون مؤلفه حذف را در دو زیرمؤلفه «پنهان‌سازی» و «کم‌رنگ‌سازی» طبقه‌بندی می‌کند. در پنهان‌سازی، هیچ ارجاعی به کارگزار یا کارگزاران اجتماعی در هیچ‌جای متن وجود ندارد؛ به عبارت دیگر، از کارگزاران اجتماعی و فعالیت‌هایشان هیچ ردی بر جای نمی‌ماند (همان: ۲۹)؛ چندان‌که برای خواننده امکان بازیابی ندارد؛ مثل این جملات: «و گفت وضع، دارد تغییر می‌کند و یواش یواش دارند یاد می‌گیرند که چطور باید به مردم خدمت کند» (جعفری، ۱۳۹۸: ۲۱۶). در این جمله فاعل و نهاد فعل «گفت» مشخص نیست و برای خواننده پنهان است. در رمان کافه پیانو، این شیوه به‌طور مشخصی در بیان برخی مسائل اجتماعی به کار گرفته می‌شود. یکی دیگر از روش‌های پنهان‌سازی، استفاده از ساخت فعل مجهول است. ساخت فعل مجهول، در همه زبان‌های زنده وجود دارد. در زبان فارسی نویسنده یا سخنران، کارگزار جمله را حذف و پنهان

می‌کند و در آخر جمله، از مصدر «شدن» در شکل فعلی همزمان با زمان فعل اصلی جمله می‌سازد؛ برای مثال به این مورد در رمان می‌توان اشاره کرد: «یعنی یه ماهی‌یای ریز خوشگل رنگ و وارانگی روش چاپ شده بود» (همان: ۱۰۵).

در مؤلفه کم‌رنگ‌سازی، حذف نمود کمتری دارد و ممکن است کارگزاران اجتماعی در جای دیگری از متن شناسانده شده باشند. یکی از راه‌های تشخیص مؤلفه کم‌رنگ‌سازی، توجه به عامل منفعل است (ر.ک: ون‌لیوون، ۲۰۰۸: ۲۹). در این مؤلفه، هرچند نویسنده یا راوی، کنشگر را از جمله حذف می‌کند، اما ردپایی از آن در متن به‌جا می‌گذارد. در این حالت، کنشگر از راه‌هایی نظیر شناسه فعل، مضاف‌الیه و ضمیر پیوسته قابل‌بازیابی است: «مادرزنم تلفن کرد، گفت هرکجا باشد، به همین زودی سر کلاهش پیدا خواهد شد. سه چهار ساعتی هست که با اتوبوس، راه افتاده و آمده» (جعفری، ۱۳۹۸: ۶۱). خواننده از طریق فعل‌های جمله و شناسه تشخیص می‌دهد که ضمیر گسسته «او»، همان کنشگر جمله است. از دیگر موارد این نوع کاربرد در رمان کافه پیانو به نمونه‌های زیر می‌توان اشاره کرد: «امروز کافه را باز کرده‌ام» (همان: ۹۰). «همین که او درآمد تو، نُک‌بینی‌اش را گرفت» (همان: ۱۰). «ابرو درهم کشید و گفتم» (همان: ۱۲). «آن وقت بهش گفتم» (همان: ۱۸). «همیشه طوری رفتار خواهم کرد...» (همان: ۲۰). «گفتن باید واقعی باشه» (همان: ۲۶). «دیدم قشنگه، گفتم بخونه برات» (همان: ۳۲).

## ۲-۴. اظهار

«اظهار»، حالتی است که نویسنده یا راوی کارگزار را در متن آشکار می‌کند و کارگزاران اجتماعی با صراحت در گفتمان‌ها مشخص هستند (ون‌لیوون، ۲۰۰۸: ۳۲). زیرمؤلفه‌های اصلی اظهار عبارتند از: فعال‌سازی، منفعل‌سازی، تشخیص‌بخشی، تشخیص‌زدایی و تعیین ماهیت. برخی از این زیرمؤلفه‌ها نیز زیرشاخه‌های خاص خود را دارند که در ادامه بدان‌ها می‌پردازیم.

### ۱-۲-۴. فعال‌سازی

تحلیل گفتمان انتقادی بازنمایی کارگزاران اجتماعی در رمان کافه پیانو ————— ۴۱

حالتی است که کارگزار در متن کنش یا کنش‌هایی را انجام دهد؛ به عبارت دیگر، حضور کنشگر در متن برای انجام دادن کنش را فعال‌سازی گویند. نویسنده - راوی کارگزاران را به عنوان نیروهایی پویا و نایستا در یک کنش مشارکت می‌دهد و آن‌ها را تبدیل به عاملین عمل می‌کند (ر.ک: همان: ۳۸). در این مورد به نمونه‌های زیر می‌توان اشاره کرد:

«درست می‌رفت طرف گل گیسو که تازه داشت فنجان‌ها را آب می‌کشید» (جعفری، ۱۳۹۸: ۱۳). گل گیسو کنشگر جمله است و کنش (آب کشیدن فنجان‌ها) را انجام داده است. موارد دیگری از این نوع کاربرد:

«معلمش چه پیغامی بهم داده» (همان: ۱۶)؛ «که صفورا می‌گوید برای همین است» (همان: ۱۹)؛ «آقای باربد طبق عادت همیشگی‌اش که رو می‌چرخاند» (همان: ۲۱)؛ «گل گیسو که پاک گیج شده بود، پرسید» (همان: ۲۳)؛ «معلم‌شان ازش خواسته همین پنج شنبه با خودش لانه گنجشک واقعی همراه ببرد» (همان: ۲۵)؛ «فقط گل گیسو بود که تلفن کرد» (همان: ۲۵)؛ «وقتی پری‌ماه از مصاحبه با او برگشته بود پیشم! برگشت و بهم گفت...» (همان: ۲۶۲).

## ۲-۲-۴. منفعل‌سازی

در منفعل‌سازی، کنش‌پذیر نتیجه کنش را می‌پذیرد. این مؤلفه زمانی اتفاق می‌افتد که کارگزار یا کارگزاران اجتماعی دستخوش عمل یا اعمالی شده باشند. ونلیوون (۲۰۰۸: ۳۸) منفعل‌سازی را به دو نوع تأثیرپذیری مستقیم (=موضوع‌سازی) یا تأثیرپذیری غیرمستقیم (=ذی‌نفع‌سازی) تقسیم می‌کند. در شیوه «موضوع‌سازی»، با کنشگر مانند کالا و اشیاء رفتار می‌شود؛ برای مثال در جمله «استرالیا ۷۰۰۰۰ پناهجو را وارد کشور کرد»، با پناهجویان مانند کالا رفتار شده است. ونلیوون معتقدست که در موضوع‌سازی، کارگزاران از روی اجبار، پذیرنده عمل یا نتیجه عمل هستند (همان). در مقابل، هرگاه کنشگر از سود و زیان کنش یا کنش‌ها بهره‌بردار، به آن «ذی‌نفع‌سازی» می‌گویند (همان). در این رمان، هیچ موردی از منفعل‌سازی از نوع موضوع‌سازی یافت

نشد؛ اما از ذی‌نفع‌سازی در دو مورد استفاده شده است: «حاضرند صبح علی‌الطلوع با شما بیایند به یک کله‌پزی پایین شهر و کنار دست عمه‌هایی که می‌خواهند نیم ساعت دیگر بروند آجر بدهند دست بنا» (جعفری، ۱۳۹۸: ۵۱)؛ «به هر سربازی یکی دو تا ازش می‌دهند» (همان: ۲۱۷).

### ۳-۲-۴. تشخیص بخشی

بازنمایی کارگزاران اجتماعی با اسم‌ها و واژه‌هایی تحقق می‌یابد که در زبان ظاهر شده‌اند. اگر کنشگران به صورت انسان (یا در قالب رفتارهای انسانی) بازنمایی شوند، در مقوله «تشخیص بخشی» (انسان‌نمایی) قرار می‌گیرند. تشخیص بخشی وجه مقابل «تشخیص زدایی» (غیرانسان‌نمایی) است. تشخیص بخشی شباهت‌هایی با مبحث انسان‌انگاری در علم بیان نیز دارد. در آرای ون‌لیوون، تشخیص بخشی به دو زیرمؤلفه «مشخص‌سازی» و «نامشخص‌سازی» تقسیم می‌شود. مشخص‌سازی به نمود مشخص و بارز هویت کارگزاران اجتماعی اشاره دارد؛ اما در نامشخص‌سازی، کارگزار اجتماعی ناشناخته است. نامشخص‌سازی زمانی به کار می‌رود که کارگزاران اجتماعی بی‌اهمیت باشند و هدف اصلی، بازنمایی کنش‌های آن‌ها باشد. در این حالت، نویسنده-راوی هرچند کنش کارگزار را بازنمایی می‌کند، خود او را به شکلی مبهم نشان می‌دهد. به نظر ون‌لیوون در این شیوه، کارگزاران اجتماعی به صورت فرد یا گروهی بدون نام ارائه می‌شوند و برای این کار از ضمائر مبهم استفاده می‌شود (همان: ۵۰). در نامشخص‌سازی نویسنده-راوی از ادات ابهام و واژه‌هایی چون: «هرکس»، «هیچ‌کس»، «بعضی»، «برخی»، «تعدادی»، «مُشتی»، «اندکی» و... استفاده می‌کند:

«و گرنه برود همشهری ماه بغل دست یک مُشت بچه مثبت چیز فهم عصاقورت داده‌ای دیگر مثل خودش» (جعفری، ۱۳۹۸: ۳۹)؛ «با یک مُشت مرد ریشوی اسب‌سوار که کلاهخود سرشان است» (همان: ۲۷).

مؤلفه مشخص‌سازی از آنجاکه به بازنمایی آشکار هویت کارگزار مربوط است، انواع مختلفی می‌تواند داشته باشد. انواع زیرمؤلفه‌های مشخص‌سازی از نظر ون‌لیوون

تحلیل گفتمان انتقادی بازنمایی کارگزاران اجتماعی در رمان کافه پیانو \_\_\_\_\_ ۴۳

عبارتنداز: پیوندزنی و پیوندزدایی، تفکیک کردن و تفکیک نکردن، طبقه‌بندی، نام‌دهی، مشخص‌سازی تک موردی و مشخص‌سازی چند موردی (ر.ک: ون‌لیوون، ۲۰۰۸: ۳۸). برخی از این زیرمؤلفه‌ها نیز از انواع دیگری برخوردارند که در زیر به مصداق‌های آن‌ها در رمان کافه پیانو می‌پردازیم.

۱-۳-۲-۴. پیوندزنی و پیوندزدایی: در «پیوندزنی» دو یا چند کارگزار در انجام کنشی با هم مشارکت دارند. پیوندزنی تکنیکی برای پیوند دادن شخصیت‌های اصلی و فرعی در داستان است. همچنین بیانگر پیوستگی کارگزاران اجتماعی در یک کنش است و در متن با عبارت‌هایی چون: «به‌همراه» و حروف پیوند همپایه‌سازی چون: «و» و «با» نشان داده می‌شود. ون‌لیوون در این باره می‌گوید که این کارگزاران در یک گروه قرار می‌گیرند. در این حالت، کارگزاران به‌صورت گروهی بازنمایی می‌شوند که دربارهٔ رویداد خاصی نظر واحدی دارند (همان). کارگزاران اجتماعی که در انجام کنش مشارکت دارند، هدف‌های مشترکی دارند که برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند. در مثال زیر نمونه‌ای از این مؤلفه آمده است: «سرش را می‌دهد برای اینکه دوایت یورک و اندی کول از همان جا توی دایرهٔ وسط‌زمین یک دو کنند» (همان: ۴۱).

در زیرمؤلفهٔ «پیوندزدایی»، برعکس پیوندزنی، کارگزاران به‌صورت فردی کنش را انجام می‌دهند و بازنمایی کارگزار به‌صورت فردی است. ون‌لیوون در این باره می‌گوید: «فرض کنید در ابتدای یک داستان نوعی پیوند بین دو کودک برقرارست و همیشه آن‌ها را با هم و به‌صورت «مارک و مندی» می‌نامند؛ اما پس از ورود آن‌ها به داخل کلاس این پیوند از هم گسسته می‌شود و آن‌ها به‌صورت جداگانه نامیده می‌شوند» (همان: ۳۸). این مؤلفه می‌تواند شامل کل کنش‌های فردی کارگزاران در رمان کافه پیانو باشد.

## ۲-۳-۲-۴. تفکیک کردن (تمایزگذاری/غیریت‌سازی) و تفکیک نکردن

در مؤلفهٔ تفکیک کردن، کارگزاران اجتماعی در متن و گفتمان متفاوت هستند. هرکدام کنش‌هایی را انجام می‌دهند؛ گاه با هم یک کنش را انجام می‌دهند و گاهی هرکدام کنشی مستقل انجام می‌دهند. به نظر ون‌لیوون، این مؤلفهٔ گفتمان‌مدار به‌طور

آشکار موجب بازشناسی کارگزاران موجود در متن از یکدیگر می‌شود و یک شخص یا یک گروه را از دیگر کنشگران تفکیک می‌کند (همان: ۳۹). گروهی در قطب «خودی» و گروهی در قطب «غیرخودی» هستند و خواننده با خواندن متن میان آن‌ها تمایز قائل می‌شود. هرگاه واژگانی نظیر «مگر»، «بجز» و «غیر» در مورد کارگزاران در متن بیاید، مؤلفه «تفکیک کردن» در آن وجود دارد. در این شیوه از بازنمایی، کنشگران به دو قطب تقسیم می‌شوند که بازنمایی یکی از آن‌ها مثبت، و بازنمایی دیگری منفی است. نمونه‌ای از مؤلفه تفکیک در متن رمان: «وقتی که او این جاست را بفهمم و خودم حدس بزنم چه می‌خواهد: ترک یا فرانسه، کاپوچینو یا اسپرسو» (جعفری، ۱۳۹۸: ۲۱). در مؤلفه «تفکیک نکردن»، همه کارگزاران در متن و گفتمان به صورت یک جمع و یک کل واحد بازنمایی می‌شوند. در این حالت، هیچ تمایزی بین کارگزاران قائل نمی‌شویم. واژه‌هایی چون «کسی» و «یک نفر» در جمله، دارای کارکرد «تفکیک نکردن» هستند. ونلیوون معتقد است هنگامی که کارگزاران به صورت افرادی منحصر به فرد و یگانه بازنمایی نشوند، دارای مؤلفه تفکیک ناپذیری اند (ونلیوون، ۲۰۰۸: ۳۹). نمونه‌هایی از تفکیک نکردن در رمان کافه بیانو:

«دلم می‌خواست کسی مثل آقای باربد پدرم بود» (جعفری، ۱۳۹۸: ۱۹)؛ «به ندرت پیش می‌آید که با کسی بیاید کافه» (همان: ۲۱)؛ «دلیل‌های کوچکی دارم که کسی نمی‌تواند انکارش کند» (همان: ۳۳)؛ «اینکه یک کسی خیلی دوستش دارند» (همان: ۶۵)؛ «و البته دل و دماغش را هم دارد کس دیگری چپس و پنیر یک نفر دیگر» (همان: ۶۷)؛ «از هر سه نفر دوستش، یک نفر این طور مرا دوست می‌دارد» (همان: ۱۳۳).

### ۳-۲-۴. طبقه‌بندی

اگر کارگزاران با توجه به هویت جمعی و کارکردهایی که در آن با کارگزاران دیگر مشارکت دارند، بازنمایی شوند، مؤلفه طبقه‌بندی انجام شده است. ونلیوون بر این باور است که در داستان‌نویسی، شخصیت‌های بی‌نامی که در قالب گروه‌ها و طبقه‌ها دسته‌بندی می‌شوند، تنها نقش‌های موقتی یا گذرایی را به عهده می‌گیرند که برای

تحلیل گفتمان انتقادی بازنمایی کارگزاران اجتماعی در رمان کافه پیانو ————— ۴۵

خواننده دارای اهمیت نیستند (ون لیوون، ۲۰۰۸: ۴۰). به نظر او، در فرآیند طبقه‌بندی گاهی کارگزاران با توجه به نقشی که برای آن‌ها تعریف شده، عمل می‌کنند یا فعالیتشان طبقه‌بندی می‌شود (همان: ۴۹). طبقه‌بندی به اشکال مختلفی در متن می‌تواند صورت بگیرد. گونه‌های مختلف طبقه‌بندی عبارتند از: نقش‌دهی، ارزش‌دهی و هویت‌بخشی.

#### ۱-۳-۳-۲-۴. نقش‌دهی

در این شیوه، شغل‌ها و حرفه‌های مردم یک دوره در متن مشخص می‌شوند. هر کنشگری می‌تواند نقش و شغل معینی داشته باشد. ون لیوون اظهار می‌دارد که این مؤلفه زمانی نمود پیدا می‌کند که کارگزاران اجتماعی براساس فعالیت و شغلشان بازنمایی شوند (همان: ۴۲):

«یا معلمی چه پیغامی بهم داده» (جعفری، ۱۳۹۸: ۱۶)؛ «آقای باربد، مشتری این ساعت‌های کافه است. مرد میان‌سال متخصص خط میخی» (همان: ۱۸)؛ «من نماینده خوانندگان در تحریریه هستم» (همان: ۴۰)؛ «مبادا یک وقت ریاستان کاری باهاشان داشته باشد» (همان: ۸۸)؛ «صاحب‌خونه توی خونه‌اش نیست» (همان: ۹۱)؛ «نگاهی به افسر پلیس که متحیرانه نگاهم می‌کرد انداختم» (همان: ۹۴).

#### ۲-۳-۳-۲-۴. ارزش‌دهی

به معنای تصویرسازی از صفات و ویژگی‌های دوست‌داشتنی و نفرت‌انگیز برای معرفی کردن کارگزاران در متن استفاده می‌شود. در این شیوه، «کارگزاران به کمک اصطلاحات تقابلی و ارزشی و به واسطه ارزش‌های مثبت یا منفی بازنمایی می‌شوند. مؤلفه ارزش‌دهی دارای دو زیرمؤلفه ارزش‌دهی مثبت و ارزش‌دهی منفی است» (ون لیوون، ۲۰۰۸: ۴۵). این مؤلفه در رمان کافه پیانو بسامدی ندارد.

#### ۳-۳-۳-۲-۴. هویت‌بخشی

این مؤلفه اشاره به بازنمایی کارگزاران براساس ویژگی‌های ذاتی‌شان دارد و خود به سه دسته هویت‌بخشی ظاهری، هویت‌بخشی نسبتی و هویت‌بخشی مقوله‌ای تقسیم می‌شود (همان: ۴۲) که در زیر به بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

الف) هویت بخشی ظاهری: در این شیوه، کنشگران با صفات و ویژگی های ظاهری شان تصویر سازی می شوند. این مؤلفه شبیه صفت بیانی ساده و مرکب در دستور زبان فارسی است. در این مؤلفه، «کارگزاران براساس خصوصیات جسمانی و یا وضع ظاهری شان بازنمایی می شوند» (همان: ۴۳). در زیر، مثال هایی از رمان کافه پیانو آمده است:

«با یک مُشت مرد ریشوی اسب سوار که کلاه خود سرشان است» (جعفری، ۱۳۹۸: ۲۷)؛ «دخترک بلند بالای سبزه ای بود» (همان: ۴۹)؛ «بفهمی نفهمی از من کوتاه تر است لاغرتر، استخوانی تر و سبزه رو» (همان: ۸۳)؛ «از آن مردهای سیگاری قهاری که ریش و سیلشان زرد شده» (همان: ۱۸)؛ «یک مرد نورانی که توی دستش یک چلیپای نقره ای رنگ هم هست» (همان: ۲۸)؛ «چون موهایش به همان کوتاهی همیشه بود. همان پولبور نازک جگری رنگ دو سال پیش تنش بود که یک پیراهن یقه سفید که سر آستین های سفیدی هم دارد، مثل همیشه از زیرش پیدا بود» (همان: ۳۷)؛ «پسرک لاغر استخوانی قدبلندی که ریش انبوه و حنایی رنگی داشت و موهای لخت بلندی که ریخته بودندشان روی شانه ها و بس که خودش سفید و ریشش بور بود» (همان: ۴۸).

ب) هویت بخشی نسبتی: در این مؤلفه، کارگزاران براساس روابط خویشاوندی، سببی، نسبی یا دوستی بازنمایی می شوند (ر.ک: ون لیوون، ۲۰۰۸: ۴۲). نمونه هایی از این زیرمؤلفه در رمان کافه پیانو:

«تازه حال شوهرتان را می پرسد» (جعفری، ۱۳۹۸: ۴۳)؛ «برای همین؛ از کجا می دانست نشسته ام پیش دوستم که خیلی هم دلم می خواهد پیشش بنشینم» (همان: ۴۴)؛ «یا یک بابای سخت گیر داشته باشد» (همان: ۵۶)؛ «مادرزنم تلفن کرد» (همان: ۶۱)؛ «بلکه دختر دیگرش را می گفت که خواهر پری ماه است» (همان: ۶۱)؛ «عوضش این یکی خواهر، روی زمین راه می رود» (همان: ۶۲)؛ «به اندازه کافی هر دو تا خاله ام را دیده ام» (همان: ۶۳).

تحلیل گفتمان انتقادی بازنمایی کارگزاران اجتماعی در رمان کافه پیانو ————— ۴۷

ج) هویت بخشی مقوله‌ای: در این شیوه، کنشگران براساس گرایش‌های جنسیتی، طبقه، مذهب، مقام اجتماعی، تحصیلات و... بازنمایی می‌شوند. به گفته ون لیوون، بازنمایی روابط کنشگران در این زیرمؤلفه، براساس قراردادهای فرهنگی، طبیعی و تاریخی مثل نژاد، جنس، قومیت، مذهب و... است (ون لیوون، ۲۰۰۸: ۴۸). نمونه‌هایی از این زیرمؤلفه در رمان کافه پیانو:

«یک زن روس که فارسی حرف می‌زند» (جعفری، ۱۳۹۸: ۱۶۶)؛ «او همان توقعی را از من نداشته باشد که زن‌هایشان، از یک شاهزاده دانمارکی یا یک نجیب‌زاده انگلیسی دارند» (همان: ۲۴۷)؛ «صفورا هم یک دختر تهرانی است» (همان: ۲۴۸).

#### ۴-۳-۲-۴. نام‌دهی

«نام‌دهی» از دیگر زیرمؤلفه‌های تشخیص بخشی از نوع مشخص سازی است. در این مؤلفه، نویسنده-راوی برای کارگزاران اجتماعی موجود در متن، نام‌هایی را برمی‌گزیند. نام‌ها دارای قدرت تأثیر هستند. شخصیت‌های بی‌نام هیچ جایگاهی در متن ندارند. از این روی، گزینش نام‌ها خیلی مهم است. کارگزاران اجتماعی درگیر در یک گفتمان، از طریق نام‌دهی است که هویت خاص خود را می‌یابند و از طریق آن بازنمایی می‌شوند. ون لیوون انواع نام‌دهی را به قرار زیر تقسیم می‌کند: نام‌دهی رسمی، نام‌دهی غیررسمی، نام‌دهی نیمه‌رسمی، عنوان‌دهی و عنوان‌زدایی (ون لیوون، ۲۰۰۸: ۴۵) که در زیر به بررسی نمود این مؤلفه‌ها در کافه پیانو می‌پردازیم:

الف) نام‌دهی رسمی: در این مؤلفه، کارگزار با نام‌خانوادگی در متن آورده می‌شود (همان: ۴۵). کارکرد این مؤلفه در رسمیت بخشیدن به کارگزار اجتماعی است که معمولاً برای او تولید اقتدار نیز می‌کند؛ برای مثال:

«یعنی حقیقتاً طوری خوش‌پوش و خوش‌لباس است آقای باربد، که نمی‌توانی چشم ازش برداری... کاشکی آقای باربد یا کسی مثل او پدرم بود... و دلم می‌خواست کسی مثل آقای باربد پدرم بود» (جعفری، ۱۳۹۸: ۱۹)؛ «و منظورم خانم شیبانی، معلم کلاس اول، این نبوده که لانه یک گنجشک بدبخت مادر مرده کسی از جایی بردارد»

(همان: ۲۷)؛ «یا می گفتن سپهری پا شه بره گچ بیاره» (همان: ۳۳)؛ «آقای دبیری، چای که می گذاری برایش، تا مدتی دست نمی زند» (همان: ۱۹۰).

ب) نام دهی غیررسمی: در این مؤلفه کنشگر با اسم کوچکش در متن آورده می شود. کاربرد این اسم در جامعه و متن به خاطر صمیمیت و زیاد شناخته بودن شخص است. در کافه پیانو اکثر نام دهی ها به صورت غیررسمی است. نام دهی غیررسمی شکل دیگری از مؤلفه فرد ارجاعی است:

«زنگ زدم به گل گیسو و گفتم الان است که خاله پری نازش بیاید پیانو» (همان: ۶۳)؛ «پری ناز گفت» (همان: ۶۷)؛ «با تحکم گفتم: ولش کن گل گیسو» (همان: ۸۳)؛ «همایون از آن خیلی بیشتر از جیمز استوارت توی ورتیگوی هیچکاک» (همان: ۸۳)؛ «همایون از آن دست دوست هایی است که توی زندگی بعید یکی دو تا بیشتر از شان پیدا کند» (همان: ۹۷)؛ «منتها هرمز شیفت عصر بود» (همان: ۱۰۵)؛ «همایون فقط برایم نوشته بود» (همان: ۲۴۶).

ج) نام دهی نیمه رسمی: در این شیوه کنشگر با اسم کوچک و نام خانوادگی اش می آید. به نظر ون لیوون (۲۰۰۸: ۴۵) اگر برای بازنمایی کارگزاران اجتماعی از نام و نام خانوادگی استفاده شود، شامل مؤلفه نام دهی نیمه رسمی است؛ برای نمونه در مثال های زیر:

«موهایش را مثل جودی ابوت بسته است» (جعفری، ۱۳۹۸: ۱۰)؛ «خیلی دلم می خواست دستم به شارون استون می رسید» (همان: ۳۰)؛ «طوری که لابد فکر می کند اسحاق نیوتون است» (همان: ۴۰)؛ «مثل فیلم وسترنی که کلینت ایستوود توی شان بازی می کند» (همان: ۴۹)؛ «خیلی خیلی بیش تر از جیمز استوارت توی ورتیگوی هیچکاک» (همان: ۸۳)؛ «چشمم خورد به عقاید یک دلکک که هاینرش بل آن را نوشته» (همان: ۲۲۷).

د) عنوان دهی: این شیوه از بازنمایی در مقوله «شاخص» در دستور زبان و زبان شناسی می گنجد. عنوان دهی مؤلفه ای است که «شامل دو زیر مؤلفه مقام دهی و نسبت دهی است

تحلیل گفتمان انتقادی بازنمایی کارگزاران اجتماعی در رمان کافه پیانو ————— ۴۹

و می‌تواند از طریق ارجاع به مقام و نسبت، کارگزاران اجتماعی را بازنمایی کند» (ون‌لیوون، ۲۰۰۸: ۴۵). این مؤلفه دو زیرمؤلفه دیگر دارد که عبارتند از: مقام‌دهی و عنوان‌زدایی.

«مقام‌دهی» برای احترام گذاشتن و ارزش دادن به شخص است که همراه اسمش آورده می‌شود. ون‌لیوون معتقدست که «مقام‌دهی نوعی از مؤلفه عنوان‌دهی است که افراد با کمک عناوین و القاب و یا هر کلمه دیگری که به‌نوعی درجه‌ای به آن‌ها بدهد، بازنمایی می‌شوند» (همان). مؤلفه عنوان‌دهی از نوع مقام‌دهی با مؤلفه «طبقه‌بندی از نوع ارزش‌دهی» رابطه دوسویه دارد. این مؤلفه در رمان کافه پیانو بسامدی ندارد.

در شیوه «نسبت‌دهی» کنشگر براساس روابط سببی، نسبی یا روابط شغلی بازنمایی می‌شود. در این شیوه از کلماتی که بیانگر خویشاوندی یا دوستی فرد با فرد دیگری است، استفاده می‌شود و قبل از اسم شخص می‌آید (ر.ک: همان). در مثال‌های زیر نمونه‌هایی از این مؤلفه را در رمان کافه پیانو آورده‌ایم: «گفت: پس چطور عمو منوچهر تونسته؟» (جعفری، ۱۳۹۸: ۱۳)؛ «گل گیسو گفت: ای خاله پری‌ناز بدجنس» (همان: ۶۵)؛ «تو می‌بخشی خاله پری‌ناز؟» (همان: ۶۶)؛ «گل گیسو با خاله پری‌نازش، رفته بود به خانه مادرش» (همان: ۷۴). نسبت‌دهی زمانی به کار می‌رود که نویسنده به‌طور ضمنی یا آشکار به دنبال تأکید بر روابط خویشاوندی، نسبی، سببی و دوستانه کارگزاران اجتماعی باشد.

ه) عنوان‌زدایی: این زیرمؤلفه با وجود آنکه شباهت‌هایی با نام‌دهی غیررسمی دارد، در کارکرد، تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. ون‌لیوون معتقد است که در عنوان‌زدایی، کارگزارانی که پیش‌تر عموماً از روش‌های مختلف مثل کاربرد عنوان، مقام، منصب و نسبت بازنمایی می‌شده‌اند، این بار بدون کاربرد هیچ‌یک از این عنوان‌ها بازنمایی می‌گردند (ون‌لیوون، ۲۰۰۸: ۴۵). عنوان‌زدایی معمولاً با مقام‌دهی و نسبت‌دهی رابطه‌ای معکوس دارد؛ به گونه‌ای که افزایش بسامد کاربرد عنوان‌زدایی باعث کاهش بسامد کاربرد دو زیرمؤلفه دیگر می‌شود. هدف نویسنده از کاربرد این زیرمؤلفه، نادیده گرفتن روابط کنشگران، منزلت و مقامشان است. این رویداد در دو زمان رخ می‌دهد: نخست

وقتی است که نویسنده-راوی بخواهد روابط صمیمی کنشگران اجتماعی را نشان دهد. در این حالت، کنشگر از بیان واژگان نشان‌دهنده مقام‌دهی در وقت گفتگو با کنشگران دیگر اجتناب می‌کند؛ حالت دوم، زمانی است که کنشگر را مانند افراد عادی به دیگران معرفی کند.

### ۵-۳-۲-۴. مشخص‌سازی تک‌موردی

در بازنمایی «مشخص‌سازی تک‌موردی» کنشگر در یک لحظه فقط یک کنش را انجام می‌دهد. «این مؤلفه در حالتی اتفاق می‌افتد که کارگزار اجتماعی در آن واحد در یک نقش یا عمل اجتماعی شرکت داشته باشد» (همان: ۴۵). در داستان *کافه پیانو* نمونه‌های زیادی برای مشخص‌سازی تک‌موردی وجود دارد که یک نمونه را نقل می‌کنیم: «یک زن روس که فارسی حرف می‌زند» (جعفری، ۱۳۹۸: ۱۶۶).

### ۶-۳-۲-۴. مشخص‌سازی چندموردی

هرگاه کنشگر در یک زمان واحد بیش از یک کنش را در متن انجام‌دهد، مؤلفه «مشخص‌سازی چندموردی» در آن وجود دارد. در این مؤلفه، کارگزاران اجتماعی به‌عنوان «شرکت‌کنندگان در بیش از یک نقش اجتماعی در آن واحد» ارائه می‌شوند (ون‌لیوون، ۲۰۰۸: ۴۵). این مؤلفه بارها در *رمان کافه پیانو* به کار رفته است. گاهی زمان فعل این کنش‌ها در جملاتی که در متن آمده است و این مؤلفه در آن وجود دارد، طبق زمان فعل در دستور زبان فارسی است؛ یعنی یک زمان از سه زمان اصلی فعل است؛ اما گاهی زمان فعل کنش‌ها مطابق دستور زبان فارسی با هم یکسان نیست و همخوانی ندارند:

«خودم را چرخاندم تا روی میز پشت سرم، زیرسیگاری را پیدا کنم و سیگاری را که رسیده بود به وسط‌هایش اما سینه‌ام دیگر نمی‌کشید، دودش را فروبدهد، خاموش کنم» (جعفری، ۱۳۹۸: ۱۴۱)؛ «بی‌هیچ تکلفی دود سیگارم را طرفش بیرون دادم و با پررویی خیره شدم» (همان)؛ «مقنعه‌اش را پوشید. کیفش را برداشت و انداخت گردنش. صورتش را آورد جلو تا مقنعه‌اش را بدهم بالا و بیخ گوشش را ببوسم. بعد دست کرد

تحلیل گفتمان انتقادی بازنمایی کارگزاران اجتماعی در رمان کافه پیانو ————— ۵۱

توی سطل زباله و یک قوطی بالتکای مچاله نشده پیدا کرد و برش داشت» (همان: ۱۴)؛ «برای همین، آن را از پشت آویزان کرد به خودش، بندک‌ها را روی شکمش گره زد بعد پیش‌بند را دور تنش چرخاند» (همان: ۲۳)؛ «بعد که شامم را می‌خورده‌ام؛ می‌رفته‌ام توی اتاقم. در را بسته‌ام و بهش می‌گفتم» (همان: ۱۳۴).

#### ۴-۲-۴. تشخیص‌زدایی

تشخیص‌زدایی دو زیرمؤلفه دارد: انتزاعی‌سازی و عینی‌سازی؛ در این حالت کارگزاران اجتماعی به وسیله ابزارهای دیگری همچون اسامی انتزاعی یا اسامی ذات (که معانی‌شان مشخصه معنایی بشری ندارد) ارائه می‌شوند. دو نوع تشخیص‌زدایی وجود دارد: انتزاعی‌سازی و عینی‌سازی (ر.ک: همان).

#### ۴-۲-۴-۱. انتزاعی‌سازی

تصویر ذهنی نویسنده از کنشگر است. به نظر ون‌لیوون، این مؤلفه زمانی رخ می‌دهد که کارگزاران اجتماعی به وسیله خصوصیات که تخیل و ذهنیت نویسنده آن را ایجاد کرده است، ارائه و بازنمایی شوند (همان). گاهی در متن، صفتی از کنشگر که مشهور است، جانشین خود کنشگر می‌شود. این مؤلفه شبیه مصداق‌هایی از کنایه و استعاره در زبان است. اسمی که برای این زیرمؤلفه به کار می‌رود، «اسم معنی»<sup>۱</sup> است؛ مثل این جملات: «که یک آدمی، توی هوا معلق است دور سرش پر است از دایره‌های نورانی. طوری که انگار آدم مقدسی، فرشته‌ای چیزی باشد» (جعفری، ۱۳۹۸: ۲۷).

#### ۴-۲-۴-۲. عینی‌سازی

در این زیرمؤلفه، کارگزاران در کنش ظاهر نمی‌شوند، بلکه مکان، گفتار، اندام و ابزار کارگزاران است که به جایشان می‌آیند. اسمی که برای این زیرمؤلفه به کار می‌رود، «اسم ذات»<sup>۲</sup> است. ون‌لیوون (۲۰۰۸: ۵۰) برای عینی‌سازی چهار زیرمؤلفه: مکان‌مداری، گفته‌مداری، اندام‌مداری و ابزارمداری را برشمرده است.

---

1. Abstract noun

1. Concrete noun

الف) مکان‌مداری: در این شیوه از بازنمایی، کارگزاران اجتماعی با ارجاع به مکانی که در آن هستند، ارائه می‌شوند. به عنوان مثال در یک جمله، واژه «استرالیایی‌ها» با «استرالیا» جایگزین می‌شود؛ درحالی که که استرالیا نام یک مکان است (ر.ک: همان). همچنین در جمله «دادگاه حکم را اجرا کرد»، منظور از «دادگاه» مأمور اجرای احکام است. این شیوه از بازنمایی برای اقتداربخشی به کارگزار و سلب مسئولیت از اوست.

ب) ابزارمداری: در این حالت از بازنمایی، کارگزاران اجتماعی با ارجاع به ابزاری که عمل به واسطه آن انجام می‌گیرد، ارائه می‌شوند (همان)؛ برای مثال در جمله «قلم قاضی حکم را نوشت»، واژه «قلم» مصداق ابزارمداری است. منظور از «قلم» خود قاضی است که حکم را صادر کرده است.

ج) اندام‌مداری: این شیوه زمانی نمود می‌یابد که کارگزار به وسیله یکی از اعضای بدن مشخص شود (همان)؛ برای مثال در جمله «دست ابن قتیبه کتاب الشعر و الشعر را نوشت»، منظور از «دست»، خود نویسنده، یعنی ابن قتیبه است. این شیوه از بازنمایی، برای پاک و مبرا نشان دادن کارگزار از انجام کنش منفی و ترغیب او به انجام کنش مثبت است.

د) گفته‌مداری: گفته‌مداری با فرآیندهای کلامی رابطه مستقیم دارد. در این شیوه از بازنمایی، کارگزاران از طریق ارجاع به گفته‌هایشان بازنمایی می‌شوند. این مؤلفه معمولاً در مکالمه‌ها و مکاتبات سطح بالا و متون مطبوعاتی استفاده می‌شود (همان: ۵۰)؛ برای مثال در جمله «گزارش‌ها حاکی از آن است در جنگ داخلی سودان هزاران غیرنظامی کشته و زخمی شده‌اند»، واژه «گزارش» به جای گوینده گزارش آمده است. از این زیرمؤلفه نیز مصداق خاصی در رمان کافه پیانو یافت نشد.

## ۵-۲-۴. تعیین ماهیت

این مؤلفه دو زیرمؤلفه دارد: (۱) جنس‌ارجاعی، (۲) نوع‌ارجاعی. جنس‌ارجاعی<sup>۱</sup> یا عام‌نگری، مشابه «اسم عام» در زبان فارسی است. در جنس‌ارجاعی، نویسنده مقوله‌ای را

تحلیل گفتمان انتقادی بازنمایی کارگزاران اجتماعی در رمان کافه پیانو ————— ۵۳

به صورت عام و کلی بررسی می کند. طبق نظر ون لیوون، مؤلفه جنس ارجاعی به این مفهوم است که یک مقوله و بحث به صورت کلی و عام مطرح شود (همان). نمونه های این مؤلفه در رمان کافه پیانو:

«مخصوصاً که اگر آدم کفش نو نواری پاش باشه که بزنی داغونش کنی» (جعفری، ۱۳۹۸: ۱۴)؛ «یک دختره نزدیک بوده سر پیچ همین خیابان بالایی از در ماشین که یک دفعه باز شده بوده پرت شود بیرون» (همان: ۱۷)؛ «با یک مُشت مرد ریشوی اسب سوار این پایین که کلاه خود سرشان است» (همان: ۲۷)؛ «مگر آدم وقتی دارد غریزه اصلی را نگاه می کند، می تواند شارون استون را بگیرد توی بغلش»؟ (همان: ۳۰)؛ «یک مُشت بچه مثبت چیز فهم عصاقورت داده ای دیگر مثل خودش» (همان: ۳۹)؛ «و کدام زنی است که به این خاطر به خودش ببالد» (همان: ۱۹)؛ «اینکه آدم از خودش یک کافه داشته باشد، از خیلی جهات خوب است» (همان: ۴۴).

در نوع ارجاعی (خاص نگری)<sup>۱</sup>، کارگزاران در هیئتی خاص (جزئی و فردی) ذکر می شوند و ممکن است به صورت فرد ارجاعی و گروه ارجاعی نمود یابند (ون لیوون، ۲۰۰۸: ۵۱). نوع ارجاعی به دو دسته فرد ارجاعی (فردی سازی)<sup>۲</sup> و گروه ارجاعی (همگون سازی)<sup>۳</sup> تقسیم می شود. در باب تمایز نوع ارجاعی و جنس ارجاعی، بورديو معتقد است نوع نگری از ویژگی های رفتاری طبقه کارگر است و جنس یا عام نگری از ویژگی های طبقه مسلط بورژوازی است. او بر نظر ویرجینیا وولف تأکید کرده است که می گوید: تصوّرات کلی تصوّرات ژنرال هاست<sup>۴</sup> (ر.ک: یار محمدی، ۱۳۹۳: ۱۷۶).

#### ۱-۵-۲-۴. فرد ارجاعی (فردی سازی)

در فرد ارجاعی، کارگزاران به صورت مستقل و خاص بازنمایی می شوند. تمام نام دهی های غیر رسمی، فرد ارجاعی هستند. ون لیوون معتقد است که اگر کارگزار یا

---

2. Specification.

3. Individualization

4. Assimilation

5. General ideas are always general's ideas.

کارگزاران اجتماعی با ارجاع به فردی خاص بازنمایی شوند، دارای مؤلفه فردارجاعی می‌شوند (ون‌لیوون، ۲۰۰۸: ۵۱). این مؤلفه همان نام‌دهی غیررسمی است. وجود مؤلفه‌های «نام‌دهی» و «فردارجاعی» در متن و گفت‌وگو، بیانگر جرأت و شجاعت نویسنده در بیان سخنش است. این دو مؤلفه از آشکارترین شیوه‌های بازنمایی کنشگران در متن و گفت‌وگو است و نمایانگر صراحت گوینده سخن در کلامش است. در این شیوه بازنمایی، نویسنده بدون هیچ احترامی نام کارگزار را می‌آورد و او را مورد خطاب قرار می‌دهد. از میان زیرمؤلفه‌های «نوع‌ارجاعی»، «فردارجاعی» بسامد بیشتری دارد که این بیانگر توجه بیشتر نویسنده به فردیت و شخصیت مستقل کارگزاران در متن است.

## ۲-۴-۵-۲. گروه‌ارجاعی (همگون‌سازی)

در این فرآیند، کارگزاران به صورت گروهی و در قالب هویت گروهی‌شان بازنمایی می‌شوند و کنشی را به صورت جمعی انجام می‌دهند؛ برای نمونه، به مثال‌های زیر از رمان *کافه پیانو* می‌توان اشاره کرد:

«یا به چیزی تظاهر کنم که به بعضی آدم‌ها منزلت معنوی می‌دهد» (جعفری، ۱۳۹۸: ۷)؛ «جایی که پیش چشم مشتری‌ها نباشد» (همان: ۱۰)؛ «گفتم فضول کار مردم نباشد» (همان: ۲۳)؛ «سه چهار روزی فرصت داریم همه رو خبر کنیم» (همان: ۵۱)؛ «اهل خانه را یکی یکی بیدارشان کنی» (همان: ۱۳۵)؛ «ملت از گشنگی چشاشون زده بود بیرون» (همان: ۱۹۳)؛ «و از ناسپاسی قوم و قبیله‌اش هم، تا عمر دارد دلخور باشد» (همان: ۲۵۲).  
ون‌لیوون (۲۰۰۸: ۵۱) گروه‌ارجاعی را دارای زیرمؤلفه «مجموعه‌ارجاعی» می‌داند. وقتی کارگزاران به صورت یک مجموعه عددی معرفی و بازنمایی شوند، دارای مؤلفه مجموعه‌ارجاعی می‌شوند (همان)؛ لذا در مجموعه‌ارجاعی با آمار و ارقام در متن سروکار داریم. کاربرد مجموعه‌ارجاعی در آمارگیری‌ها، نظرسنجی‌ها و انتخابات است. این شیوه از بازنمایی بیانگر تعداد کنشگران در متن و گفت‌وگو است. در این نوع بازنمایی معمولاً از صفت‌های شمارشی مبهم یا عددی استفاده می‌شود که نمونه‌های آن در رمان *کافه پیانو* بدین صورت است:

تحلیل گفتمان انتقادی بازنمایی کارگزاران اجتماعی در رمان کافه پیانو ————— ۵۵

«چند پُکی بهش زد» (همان: ۵۹)؛ «چند دقیقه‌ای به خودش فشار بدهد» (همان: ۸۴)؛  
«و بعد از آن چند باری همدیگر را دیده بودیم» (همان: ۲۵۸)؛

«سه‌چار روزی فرصت داریم همه رو خبر کنیم» (همان: ۵۱)؛ «شش هفت سال آزار  
است نتوانسته‌ام یک دست کُت شلوار تازه بخرم» (همان: ۸).

## ۵. تحلیل داده‌های کاربرد گزاره‌های گفتمان‌مدار در بازنمایی کارگزاران

در میان مؤلفه‌های گفتمان‌مدار ون‌لیوون، بعضی مؤلفه‌ها ماهیت جمعی دارند که خود بر دو گونه است: الف) حالتی که چند کارگزار با هم هستند و کنش را با هم انجام می‌دهند؛ ب) حالتی که کنشگر چند کنش را با هم در یک زمان انجام شود، مانند گروه‌ارجاعی و پیوندزنی. در مؤلفه «مشخص‌سازی چندموردی» (زیرمؤلفه تشخیص‌بخشی)، کارگزار در یک زمان چند کنش را انجام می‌دهد.

در الگوی ون‌لیوون برخی مؤلفه‌ها از نظر ارجاع کارگزاران جزء ارجاعات پوشیده و برخی دیگر جزء ارجاعات صریح هستند. مؤلفه‌های ارجاع پوشیده عبارتند از: حذف، منفعل‌سازی (شامل موضوع‌سازی و ذی‌نفع‌سازی)، تشخیص‌زدایی، جنس‌ارجاعی و طبقه‌بندی کردن؛ مؤلفه‌های ارجاع صریح نیز عبارتند از: فعال‌سازی، نوع‌ارجاعی، پیوند زدن، تفکیک کردن، نام‌دهی و مشخص‌سازی تک‌موردی. میزان رازگونگی متن با توجه به ارجاعات صریح و ارجاعات پوشیده براساس فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{مجموعه ارجاعات پوشیده} \times 100 \div \text{کل ارجاعات پوشیده و صریح} =$$

(یارمحمدی، ۱۳۹۵: ۲۱۳)

براساس فرمول بالا میزان رازگونگی رمان کافه پیانو را به دست می‌آوریم:

$$3357 \times 100 \div 1189 + 3357 = 335700 \div 4546 = 73/84$$

این عدد بیانگر آن است که نویسنده از پوشیده‌گویی و ابهام بیشتری در این رمان استفاده کرده است. معضلات اجتماعی موجود در جهان داستان، کارگزاران را به بازنمایی‌های ضمنی و غیرمستقیم سوق داده است.

هریک از زیرمؤلفه‌های اظهار در متن رمان با هدف خاصی آمده‌اند. این مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه بیانگر ایدئولوژی و افکار نویسنده هستند. داده‌های مؤلفه اصلی «اظهار» با زیرمؤلفه‌هایش نشان می‌دهد زیرمؤلفه‌های «فعال‌سازی»، «منفعل‌سازی»، «تشخص‌زدایی»، «تشخص‌بخشی»، «نوع‌ارجاعی» و «جنس‌ارجاعی» بیشترین بسامد کاربرد را دارند. این بسامد نشان می‌دهد کارگزاران اجتماعی در متن داستان فعال و پویا هستند. از این میان، نویسنده تمرکز ویژه‌ای بر بازنمایی کارگزارانی از طبقه متوسط دارد. شخصیت اصلی رمان، که نامش مشخص نیست، به عنوان فردی از طبقه متوسط جامعه، صاحب کافه‌ای در تهران است. کانونی‌سازی‌ها از ذهنیت او و بازنمایی افکار و روحیات درونی او، همچنین مسائل زندگی شخصی او (همچون جدا شدن از همسرش)، باعث بازنمایی فردی او شده است. این «شخصی‌سازی» به خواننده اجازه می‌دهد تا با او همذات‌پنداری کند. از سوی دیگر، دلالت‌های ضمنی موجود در داستان و بازنمایی‌هایی از دیگر کارگزاران اجتماعی داستان، به طور ضمنی، مشکلات، نگرانی‌ها و دغدغه‌های شخصیت اصلی را تعمیم‌شده به جامعه بزرگ‌تری قرار داده که در شرایط مشابه به سر می‌برند و صدای او به عنوان نماینده طبقه متوسط جامعه بازنمایی شده است؛ یعنی بازنمایی «شخصی‌سازی‌شده» از کارگزار اصلی داستان به خواننده کمک می‌کند تا به عمق مشکلات او نفوذ کند و درعین حال، «جمعی‌سازی» شرایط او، به بازنمایی جامعه‌ای بزرگ‌تر، یعنی طبقه متوسط شهری (به مثابه بخشی از یک گفتمان کلان) منجر شده است. این جنبه از بازنمایی، از نوع «غیرشخصی‌سازی» است که بیانگر تمرکز رمان بر مسائل و دغدغه‌های طبقه متوسط است؛ چنان‌که طبقه متوسط و مشکلات فردی و اجتماعی آنان به عنوان «دال مرکزی» برجسته شده است؛ درحالی‌که دیگر گروه‌های اجتماعی (مانند طبقات پایین) کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

مؤلفه «پیوندزنی» یکی از زیرمؤلفه‌های «مشخص‌سازی» (زیرمجموعه تشخص‌بخشی) است. وجود این مؤلفه، بیانگر پیوستگی کارگزاران اجتماعی در یک کنش است و این کنش به صورت گروهی انجام می‌شود. کارگزاران اجتماعی که در

انجام کنش مشارکت دارند، هدف‌های مشترکی دارند و همه آن‌ها برای رسیدن به آن هدف‌ها تلاش می‌کنند؛ اما مشکلات اجتماعی و معیشتی باعث ناتوانی آن‌ها در مواجهه با معضلات موجود شده است؛ به‌طوری که احساس ناتوانی در مواجهه با معضلات اجتماعی و اقتصادی، نوعی احساس بی‌قدرتی به آنان داده است که بیانگر موقعیت ضعیف طبقه متوسط در برابر تغییرات اجتماعی و اقتصادی جامعه است. یکی از نتایج این مسئله، روی آوردن آنان به انتخاب‌هایی همچون «مهاجرت» است. در این رمان، مهاجرت گاه به‌طور ضمنی به‌عنوان گزینه‌ای از سوی کارگزاران رمان مطرح می‌شود. مسئله مهاجرت، یکی از نمادهای ناتوانی کارگزاران در مواجهه با وضعیت‌های اجتماعی و اقتصادی موجود در جهان داستان است؛ اما از سوی دیگر، به‌عنوان یک «ابزار قدرت» نیز برای فرار از مشکلات و جستجوی فرصت‌های بهتر نیز بازنمایی شده است.

«طبقه‌بندی» هم یکی از زیرمجموعه‌های مشخص‌سازی است. طبقه‌بندی هم زیرمؤلفه‌هایی دارد که «هویت‌بخشی» یکی از این زیرمؤلفه‌ها است. بیشترین بسامد کاربرد هویت‌بخشی مربوط به هویت‌بخشی ظاهری است. نویسنده این مؤلفه را در مورد شخصیت‌های خاصی که می‌خواهد برجسته کند (به‌ویژه شخصیت اصلی و اطرافیان او) به کار می‌گیرد. در متن این رمان گاهی کارگزاران با ارجاع به ویژگی‌ها و صفات ظاهری‌شان بازنمایی می‌شوند. هویت‌بخشی نسبتی و مقوله‌ای رتبه دوم و سوم را از نظر بسامد کاربرد در این رمان دارند. روابط، نسبت‌ها و ویژگی‌های هویتی جمعی نیز برای نشان دادن اهمیت نسل‌ها، مهم‌دانستن بنیادهای خانوادگی و اجتماعی یک جامعه به کار رفته‌اند. همچنین داده‌های مؤلفه «تشخص‌زدایی» با زیرمؤلفه‌هایش نشان می‌دهد که زیرمؤلفه «عینی‌سازی» نسبت به «انتزاعی‌سازی» بسامد بیشتری دارد و از میان زیرمؤلفه‌های مربوط به «عینی‌سازی»، زیرمؤلفه «مکان‌مداری» بیشترین بسامد کاربرد را داراست که این بیانگر تعمیم یک دیدگاه یا کنش به همه اشخاص یک جامعه است و بر هویت کلان و جمعی کنشگران تأکید می‌شود.

داده‌های زیرمؤلفه‌های «مشخص‌سازی» نشان می‌دهد که زیرمؤلفه «طبقه‌بندی» همراه با زیرمؤلفه‌هایش (هویت‌بخشی ظاهری، هویت‌بخشی نسبتی، هویت‌بخشی مقوله‌ای، ارزش‌دهی منفی، ارزش‌دهی مثبت و نقش‌دهی) بیشترین بسامد را دارند. این مؤلفه‌ها، نقشی اساسی در صورت‌بندی اجتماعی هویت کارگزاران دارند. وجود زیرمؤلفه «پیوندزنی» در متن رمان که یکی از زیرمجموعه‌های مشخص‌سازی است، از شگردهای نویسنده برای پیوند دادن شخصیت‌های اصلی و فرعی به یکدیگر است. زیرمؤلفه «تفکیک کردن» (تمایزگذاری) وقتی در متن می‌آید که نویسنده دو کارگزار اجتماعی با ویژگی‌های متفاوت را از دیگر کارگزاران متن متمایز کند. مؤلفه دیگر زیرمجموعه «اظهار»، مؤلفه «منفعل‌سازی» است. کاربرد «منفعل‌سازی» و زیرمؤلفه‌هایش (موضوع‌سازی و ذی‌نفع‌سازی) در متن رمان نشان می‌دهد که نویسنده می‌خواهد کارگزاران اجتماعی را تحت تأثیر کنشگران دیگر قرار دهد. بسامد مؤلفه‌های «نام‌دهی» و «فردارجاعی» در رمان، بیانگر گرایش نویسنده به بازنمایی صریح هویت کارگزاران است. این دو مؤلفه از آشکارترین شیوه‌های بازنمایی کارگزاران در متن و گفتمان هستند و نمایان‌گر صراحت‌گوینده سخن در کلام است.

مؤلفه دیگری که زیرمجموعه مؤلفه «اظهار» است، نوع‌ارجاعی است. از میان همه زیرمؤلفه‌های «نوع‌ارجاعی»، زیرمؤلفه «فردارجاعی» (همان نام‌دهی غیررسمی) بسامد بیشتری دارد. این داده‌ها بیانگر آن است که نویسنده به فردیت و شخصیت مستقل کارگزاران توجه دارد و از جمله شگردهای تکوین فردیت شخصیت‌ها در روایت داستانی اوست. شخصیت اصلی با اینکه در یک محیط عمومی (کافه) کار می‌کند و با افراد مختلف تعامل دارد، اما همچنان احساس تنهایی و بیگانگی می‌کند. این مسئله، جستجوی هویت از سوی شخصیت اصلی را نیز تحت‌شعاع قرار داده است. او در میان شلوغی‌های شهر و فشارهای زندگی روزمره در تلاش است تا معنایی برای زندگی خود بیابد تا به نوعی از آرامش و تعادل دست یابد؛ اما این هدف با توجه به معضلات جامعه و مشکلات معیشتی او (به‌عنوان نماینده قشر متوسط شهرنشین) همواره در تعلیق قرار

تحلیل گفتمان انتقادی بازنمایی کارگزاران اجتماعی در رمان کافه پیانو ————— ۵۹

می گیرد. این نوع بازنمایی، به طور ضمنی او را به عرصه ای گسترده تر، یعنی قشر متوسط جامعه، متصل می کند. نویسنده با استفاده از مؤلفه هایی چون «جنس ارجاعی» (از زیرمؤلفه های تعیین ماهیت) که ۲۱۲ بار بسامد دارد، شخصیت اصلی و برخی دیگر از کارگزاران را به صورت سوژه هایی از یک هویت یا گفتمان کلی تر یا عام تر بازنمایی می کند. مکان کانونی کافه (به مثابه مکانی عمومی) نیز به تشدید این بازنمای های کلی و عام کمک می کند. میزان رازگونی در رمان کافه پیانو نیز ۷۳/۸۴ است. کاربرد این زیرمؤلفه در کنار زیرمؤلفه «جنس ارجاعی»، بیانگر گرایش نویسنده به پوشیدگی و عدم تصریح در مواقع بازنمایی های عام و کلی است؛ به ویژه مواقعی که به دنبال بازنمایی دلالت های ضمنی در داستان است.

**جدول بسامد مؤلفه های گفتمان مدار در رمان کافه پیانو**

| نام مؤلفه های اصلی و زیرمؤلفه های جامعه شناختی - معنایی | بسامد | درصد  |
|---------------------------------------------------------|-------|-------|
| پنهان سازی                                              | ۵۰۰   | ۱۰,۷۳ |
| کم رنگ سازی                                             | ۱۵۰۹  | ۳۲,۳۸ |
| استفاده از ساخت مجهول                                   | ۱     | ۰,۰۲۱ |
| فعال سازی                                               | ۱۴۶   | ۳,۱۳۳ |
| منفعل سازی از نوع ذی نفع سازی                           | ۲     | ۰,۰۴۲ |
| پیوندزنی                                                | ۱     | ۰,۰۲۱ |
| نام دهی رسمی                                            | ۲۳    | ۰,۴۹  |
| نام دهی غیر رسمی                                        | ۳۲۰   | ۶,۸۶  |
| نام دهی نیمه رسمی                                       | ۳۲    | ۰,۶۸  |
| عنوان دهی از نوع نسبت دهی                               | ۵     | ۰,۱۰  |
| عنوان دهی از نوع مقام دهی                               | ۱     | ۰,۰۲۱ |
| تفکیک نکردن                                             | ۱۰۴   | ۲,۲۳  |

|       |      |                                                |
|-------|------|------------------------------------------------|
| ۲,۸۹  | ۱۳۵  | طبقه‌بندی از نوع نقش‌دهی                       |
| ۲,۹۱  | ۱۳۶  | هویت بخشی ظاهری                                |
| ۳,۹۴  | ۱۸۴  | هویت بخشی نسبتی                                |
| ۰,۱۰  | ۵    | هویت بخشی مقوله‌ای                             |
| ۰,۰۲۱ | ۱    | پیوندزنی                                       |
| ۰,۵۷  | ۲۷   | تشخیص بخشی از نوع نامشخص‌سازی                  |
| ۱۳,۸۶ | ۶۴۶  | مشخص‌سازی چندموردی                             |
| ۰,۰۲۱ | ۱    | تشخیص‌زدایی از نوع انتزاعی‌سازی                |
| ۰,۰۲۱ | ۱    | تشخیص‌زدایی از نوع عینی‌سازی از نوع مکان‌مداری |
| ۴,۵۵  | ۲۱۲  | جنس‌ارجاعی                                     |
| ۴,۶۳  | ۲۱۶  | گروه‌ارجاعی                                    |
| ۶,۸۶  | ۳۲۰  | فردارجاعی                                      |
| ۰,۱۲  | ۶    | مجموعه‌ارجاعی (چند و چندین)                    |
| ۲,۶۸  | ۱۲۵  | مجموعه‌ارجاعی (ارقام)                          |
|       | ۴۶۵۹ | جمع کل مؤلفه‌ها                                |

## ۶. نتیجه‌گیری

بررسی رمان *کافه* بیانگر براساس مؤلفه‌های گفتمان‌مدار و نلیوون، بازنمایی پیچیده و متعددی از کارگزاران اجتماعی را نشان می‌دهد. انبوه کارگزاران اجتماعی در این رمان، تنها شخصیت‌هایی پس‌زمینه‌ای نیستند؛ بلکه جزئی اساسی از بافت داستان هستند که با تعدد و تنوع بسیار خود، داستان را غنی ساخته و لایه‌های مختلف معنایی آن را شکل می‌دهند. جایگاه مرکزی «کافه» به‌عنوان مکانی برای گردهمایی افراد مختلف، در بازنمایی کارگزاران اجتماعی متعدد در این داستان نقش تأثیرگذاری دارد. نویسنده، از یک سو به بازنمایی فردیت کارگزاران داستان گرایش دارد و بسامد بالای زیرمؤلفه فردارجاعی (۳۲۰ مورد) از میان همه زیرمؤلفه‌های «نوع‌ارجاعی»، بیانگر توجه نویسنده به این مسئله است. در این رویکرد، «عشق، تنهایی، انزوا و عدم‌درک متقابل» دال‌های

تحلیل گفتمان انتقادی بازنمایی کارگزاران اجتماعی در رمان کافه پیانو ————— ۶۱

مرکزی در بازنمایی کارگزاران داستان هستند؛ اما از سوی دیگر، کارگزاران را در زمینه گسترده تر اجتماعی نیز بازنمایی می کند و «کافه» نمادی از این جهان اجتماعی مفروض است. بسامد زیر مؤلفه های جنس ارجاعی و گروه ارجاعی (به ترتیب با بسامدهای ۲۱۲ و ۲۱۶) که کارکرد بازنمایی های عام و کلی دارند، بیانگر این رویکرد است. از این میان، نویسنده تمرکز ویژه ای بر بازنمایی کارگزارانی از طبقه متوسط جامعه دارد و مشکلات فردی و اجتماعی آنان به مثابه «دال هایی مرکزی» برجسته شده اند؛ درحالی که دیگر گروه های اجتماعی (مانند طبقات پایین) کمتر مورد توجه قرار گرفته اند. در بازنمایی کارگزاران اجتماعی طبقه متوسط، مشکلات اجتماعی و معیشتی آنان باعث ناتوانی آنها در مواجهه با معضلات موجود شده است؛ به طوری که احساس ناتوانی در مواجهه با معضلات اجتماعی و اقتصادی، نوعی احساس بی قدرتی به آنان داده است که این موقعیت ضعیف طبقه متوسط در برابر تغییرات اجتماعی و اقتصادی جامعه را بازنمایی می کند. در عین حال، طرح مفاهیمی مانند «مهاجرت» از سوی کنشگران داستان (به عنوان واکنشی به این مشکلات)، نشانگر نوعی ناتوانی در مواجهه با وضعیت موجود و میل به فرار از مشکلات است.

استفاده گسترده از ارجاعات پوشیده و دلالت های ضمنی در متن، بیانگر تمایل نویسنده به اظهار غیر مستقیم مشکلات و دغدغه های اجتماعی است؛ این ویژگی بازتاب دهنده محیط حاکم بر داستان است که البته عمق بیشتری به وجوه فردی و اجتماعی کارگزاران می دهد. همچنین بازنمایی کارگزاران اجتماعی از طریق مؤلفه هایی مانند «تشخص زدایی»، «منفعل سازی» و «پیوند زنی» نشان دهنده تلاش نویسنده برای نشان دادن تأثیرات اجتماعی بر زندگی فردی و اجتماعی شخصیت ها است. استفاده از مؤلفه های «طبقه بندی» و «هویت بخشی»، نویسنده را قادر ساخته تا شخصیت های اصلی و فرعی را با دقت بیشتری معرفی کند و از این طریق، به بازنمایی فرهنگی و اجتماعی عمیق تری از جامعه پردازد. این عناصر نه تنها به فردیت و هویت مستقل شخصیت ها اشاره دارند، بلکه به بازنمایی گسترده تر جامعه و طبقات اجتماعی کمک می کنند.

## منابع

- اشرفی، ناهید؛ رنجبر، ابراهیم؛ پارسا، سید احمد (۱۴۰۱). «بلاغت نام‌گزینی در رمان «سووشون» براساس الگوی بازنمایی کنشگران اجتماعی و نلیوون (نام‌دهی و طبقه‌بندی)». *مطالعات زبانی و بلاغی*. سال ۱۳، شماره ۳۰، ۳۰-۷.
- اکبری، حمیدرضا؛ غلامعلی زاده، خسرو؛ تفکری رضائی، شجاع (۱۳۹۸). «بازنمایی کنش‌گران اجتماعی در داستان «در بویراحمد». متن پژوهی ادبی. سال ۲۳، شماره ۱۲، ۱۶۶-۱۳۹.
- جعفری، فرهاد (۱۳۹۸). *کافه پیانو*. ج ۶۰. تهران: چشمه.
- حیاتی زهرا، عاملی رضایی مریم، مسعودی مژگان (۱۳۹۷). «تحلیل و مقایسه تقابل‌های جنسیتی در رمان‌های دهه‌های شصت و هشتاد مورد مطالعه: رمان‌های دل فولاد، باغ بلور، نگران نباش، کافه پیانو». *پژوهش‌های ادبی*. سال ۱۵، شماره ۶۲، صص ۷۶-۵۱.
- سعیدی، کیهان؛ پارسا، سید احمد (۱۴۰۲). «تحلیل منطق گفتگمانی فرامتن‌های پیوسته مؤلف-راوی در شازده حمام پاپلی یزدی». *مطالعات زبانی و بلاغی*. سال ۱۴، شماره ۳۱، ۱۹۰-۱۶۱.
- شکوهی، زهرا (۱۳۹۵). *بررسی محورهای اجتماعی رمان‌های دهه هشتاد با تکیه بر رمان کافه پیانو از فرهاد جعفری، خاله‌بازی از بلقیس سلیمانی و چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم از زویا پیرزاد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- عباس مجید، انور (۲۰۱۹). «بازی‌های زبانی در رمان کافه پیانو فرهاد جعفری»، *کلیه آداب جامعه* بغداد. شماره ۱۳۰، ۴۸۲-۴۶۱.
- غلامعلی زاده، خسرو؛ تفکری رضایی، شجاع؛ اکبری، حمیدرضا (۱۳۹۶). «نام‌دهی و طبقه‌بندی کنشگران اجتماعی در داستان «آل» بر اساس الگوی و نلیوون». *جستارهای زبانی*. سال ۸، شماره ۷، ۸۹-۷۱.
- کلاتری، عبدالحسین (۱۳۹۱). *گفتگمان از سه منظر زبان‌شناسی، فلسفی و جامعه‌شناختی*. ج ۱. تهران: جامعه‌شناسان.
- کنعانی، ابراهیم؛ انتظاری، صفورا (۱۴۰۱). «تحلیل گفتگمان انتقادی رمان رویای تبت بر پایه الگوی و نلیوون». *مطالعات زبانی و بلاغی*. سال ۱۳، شماره ۲۹، ۲۴۰-۲۱۹.
- گیویان، عبدالله؛ سروی زرگر، محمد (۱۳۸۸). *بازنمایی ایران در سینمای هالیوود*. تحقیقات فرهنگی ایران. سال ۲، شماره ۸، ۱۷۷-۱۴۷.
- محمودی بختیاری، بهروز؛ دهقانی، مریم (۱۳۹۲). «رابطه زبان و جنسیت در رمان معاصر فارسی: بررسی شش رمان». *زن در فرهنگ و هنر*. دوره پنجم. شماره ۴، ۵۵۶-۵۴۳.

## تحلیل گفتمان انتقادی بازنمایی کارگزاران اجتماعی در رمان کافه پیانو ————— ۶۳

- مهدی‌زاده، محمد (۱۳۸۷). رسانه‌ها و بازنمایی. چ ۱. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه.
- ون دایک، تئون (۱۳۸۲). مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی. چ ۱. ترجمه گروهی از مترجمان. تهران: فرهنگ رسانه.
- هلیدی، مایکل و رقیه حسن (۱۳۹۳). زبان، بافت و متن. ترجمه محسن نوبخت. چ ۱. تهران: سیاه‌رود.
- یارمحمدی، لطف الله (۱۳۹۳). درآمدی به گفتمان‌شناسی. چ ۲. تهران: هرمس.
- یارمحمدی، لطف الله (۱۳۹۵). تجزیه و تحلیل مقابله‌ای گفتمان شناختی زبان فارسی و انگلیسی. چ ۱. تهران: هرمس.

- Van Leeuwen, T. (2008). *Discourse and practice, new tools for critical discourse analysis*. New York: oxford university press.

## References

- Abbas Majid, Anwar (2019). Language games in Farhad Jafari's novel Café Piano. *Baghdad University College of Arts*. No. 130. 461-482.
- Akbari, H., Gholamalizadeh, K., & Tafakkori Rezaei, S. (2019). The Representation of Social Actors in Dar Boyer- Ahmad within Van Leeuwen's Framework (A CDA Approach). *Literary Text Research*. 23(82). 139-166. doi: 10.22054/ltr.2018.20010.1797
- Ashrafi, N., Ranjbar, I., & Parsa, S. A. (2023). The Rhetoric of Nomination in Suvashun based on Van Leeuwen's model of social actors (Nomination and Categorisation). *The Journal of Linguistic and Rhetorical Studies*. 13(30). 7-30. doi: 10.22075/jlrs.2022.23452.1917
- Gholamalizadeh K, Tafakkori Rezaei S, Akbari H. (2018). The Nomination and Categorization of Social Actors in "Al". According to Van Leeuwen's Frame work. *Language Related Research*. 8 (7) :71-89
- Givian, A., & Sarvi Zargar, M. (2010). Hollywood's Representation of Iran. *Journal of Iranian Cultural Research*. 2(4). 147-177. doi: 10.7508/ijcr.2009.08.005
- Halliday, M. & Hasan, R. (2014). *Language, Context, and Text*. translated by Mohsen Nobakht. ch 1. Tehran: Siyahrood.
- Jafari, Farhad (2019). Café Piano. ch 60. Tehran: Cheshmeh.
- Kalantari, A. (2012). *Discourse from Three Perspectives: Linguistic, Philosophical, and Sociological*. ch 1. Tehran: Jameeshenasan.
- Kanani, E., & Entezari, S. (2022). Critical discourse analysis of Farbia Wafi's Tibetan Dream based on the model of Theo Van Leeuwen. *The*

- Journal of Linguistic and Rhetorical Studies*. 13(29). 219-240. doi: 10.22075/jlrs.2021.23461.1918
- Mahdizadeh, M. (2008). *Media and Representation*. ch 1. Tehran: Office of Media Studies and Development.
- Mahmoodi-Bakhtiari, B., & Dehghani, M. (2014). The relationship of language and gender in the contemporary Persian novels: A study of six works. *Journal of Woman in Culture and Arts*. 5(4). 543-556. doi: 10.22059/jwica.2014.50244
- Saeedi, K., & Parsa, S. A. (2023). Analysis of the Discursive Logic of the Author-Narrator's Continuous Metatexts in the Shazdeh Hamam by Papoli Yazdi. *The Journal of Linguistic and Rhetorical Studies*. 14(31). 161-190. doi: 10.22075/jlrs.2022.25127.1993
- Shokoohi, Z. (2016). *An Analysis of the Social Axes of Novels in the Eighties with Emphasis on the Novel Café Piano by Farhad Jafari. Xaleh-e-Bazi' by Belghis Soleimani. and Cheraghha Ra Man Khamoosh Mekonam by Zoya Pirzad*. Master's thesis. University of Sistan and Baluchestan.
- Van Dijk, T. (2003). *Studies in Discourse Analysis: From Text Grammar to Critical Discourse Analysis*. translated by a group of translators. ch 1. Tehran: Farhang-e-Resaneh.
- Van Leeuwen, T. (2008). *Discourse and practice. new tools for critical discourse analysis*. New York: oxford university press.
- Yarmohammadi, L. (2014). *An Introduction to Discourse Analysis*. Ch 2. Tehran: Hermes.
- Yarmohammadi, L. (2016). *Contrastive Discourse Analysis of Persian and English Languages*. ch 1. Tehran: Hermes.